

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال سوّم (۱۳۹۲)، شماره نهم

عوامل مؤثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه‌مسلمین از دیدگاه قرآن و حدیث

علی محمد میرجلیلی^۱

سمیه یوسفی^۲

چکیده

اسلام خواهان عزّت و اقتدار مسلمین در تمام عرصه‌ها و از جمله عرصه اقتصادی است و این هدف در پرتو کار و تولید، حاصل می‌شود. از این رو، اسلام برای کار و تولید و سرمایه‌اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شود و مسلمانان را به حمایت از آنها دعوت می‌کند و به منظور رسیدن به عزّت و اقتدار اسلامی، نهادها و افراد مؤثر در این زمینه را که شامل دولت، تولیدکننده‌ها و عموم مردم می‌شود به همکاری فرامی‌خواند و پیروی از اموری را به آنان توصیه می‌کند. از دیدگاه قرآن، شرط رسیدن به رشد و خودکفایی جامعه اسلامی در زمینه تولیدات داخلی آن است که همه طبقات جامعه - اعم از دولت، تولیدکنندگان و مردم - دست به دست هم بدهند و با انجام وظایف خود، همراه با رعایت موازین اخلاقی و وظایف دینی، راه رسیدن به هدف مورد نظر را هموار کنند؛ از جمله، دولت با تربیت افراد متخصص و متعهد، برنامه‌ریزی برای اشتغال، واگذاری کارهای تولیدی به بخش خصوصی (مردم)، نظارت بر تولید، نظارت بر بازار و مهار قیمت‌ها، کنترل و هدایت واردات کالا، در این جهت، حرکت کند؛ تولیدکننده‌ها با پرهیز از تخلف و غش در تولید کالا و معاملات و گران‌فروشی، نقش‌آفرین باشند و مردم با ترجیح مصرف کالاهای داخلی بر کالاهای خارجی، در راستای تولید داخلی به جامعه و دولت یاری رسانند.

در این تحقیق سعی بر آن است تا با تکیه بر آیات شریف قرآن و سخنان پربرار پیامبر و ائمه معصومین (ع)، به معرفی عوامل مؤثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه‌مسلمین و وظیفه هریک از ارکان دخیل در اقتصاد جامعه برای ایفای نقش در این زمینه پرداخته شود.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، مسلمین، کار، تولید، سرمایه.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله حائری میبد / almirjalili@yazd. ac. ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله حائری میبد (نویسنده مسئول) /

usofisara@yahoo. com

طرح مسأله

قرآن کریم، مسلمین را به پرهیز از وابستگی و اعتماد به دشمن دعوت می‌کند و در مواردی نظیر آیه ۱۱۸ سوره مبارکه آل عمران^۱، در این زمینه، هشدار می‌دهد. شواهد تاریخی و مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که دشمنان اسلام هرگز خواهان رشد و پیشرفت مسلمانان در زمینه‌های مختلف و از جمله، زمینه اقتصادی نبوده و نیستند و در هر زمان و شرایطی، با اهداف مختلف و به منظور تسلط بر منابع و سرمایه‌های مسلمین، از هرگونه ترفندی بر علیه اسلام و مسلمین استفاده می‌کنند. ترفندی که امروزه، دشمنان اسلام به وسیله آن به میدان آمده‌اند تا مسلمانان را در تنگنای اقتصادی قرار دهند «تحریم اقتصادی» است. در این میان، تعالیم اسلام که خواهان برتری مسلمانان در تمامی زمینه‌ها و از جمله، کار و تولید است در این راستا نیز هیچگاه، تسلط کافران بر مسلمین را نمی‌پذیرد^۲ و عوامل مختلف جامعه را به همکاری می‌طلبد و رمز برتر بودن را در پابندی بر ایمان و اصول اسلام معرفی می‌کند.^۳ بنابراین، راهکار رهایی از مشکلات اقتصادی را هم می‌توان در خود قرآن و تعالیم حضرات معصومین، مفسران حقیقی آن، جستجو کرد و به اینگونه سؤالات پاسخ داد که:

۱- در راستای حمایت از کار، تولید و سرمایه مسلمین، چه عواملی بیشترین نقش را ایفا می‌کنند؟

۲- هر کدام از این عوامل در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی چگونه باید عمل کنند؟

در ادامه، کوشش می‌شود تا با تکیه بر آیات قرآنی و منابع حدیثی، پرسش‌های فوق پاسخ داده شود.

۱- عوامل مؤثر در حمایت از کار، تولید و سرمایه

عوامل متعددی در زمینه‌سازی رسیدن جامعه به رشد تولید و اقتدار اقتصادی نقش دارند؛ اما در این مقاله، به بارزترین و مهم‌ترین این عوامل اشاره خواهد شد. اگر محدوده حمایت از کار، تولید و سرمایه در یک جامعه اسلامی را به صورت یک مثلث در نظر بگیریم دولت،

۱. آل عمران: ۱۱۸/۳ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾.

۲. النساء: ۱۴۱/۴ ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾.

۳. آل عمران: ۱۳۹/۳ ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.

تولیدکننده‌ها و مردم سه ضلع این مثلث را تشکیل خواهند داد. اسلام برای هر یک از این نهادها و اشخاص مؤثر در اقتصاد جامعه، رهنمودها و دستورالعمل‌های جداگانه‌ای دارد.

۱-۱-۱ دولت

در میان این سه عامل، دولت را می‌توان در رأس این مثلث جای داد؛ زیرا دولت نقش اساسی و مهمی را در شکل‌گیری و ترویج یک اقتصاد مقتدر داخلی و صدور آن به مناطق مختلف جهان ایفا خواهد کرد. با فعالیت و مدیریت صحیح دولت است که امور جامعه سامان می‌گیرد، زیربنای اقتصادی استحکام می‌یابد و فضای مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی سالم فراهم و مسیر اخلال‌گران اقتصادی، سد می‌شود و نظام بازار و قیمت‌ها روند صحیح خود را طی می‌کند. همچنین، با سازگاری و تعادل میان منافع طبقات مختلف جامعه است که صلح و صفا فضای جامعه را فرا می‌گیرد و رشد و تعالی انسان‌ها، در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی میسر می‌شود و در پرتو ارزش‌های دینی، همگان به سعادت ممکن دست می‌یابند و می‌توانند استعدادهای فطری و روحی خود را شکوفا سازند. نقش دولت را در این راستا می‌توان در دو بعد حمایت از سرمایه و حمایت از کار و تولید مسلمین جای داد و برای هر یک رهنمودها و اقداماتی را لحاظ کرد.

۱-۱-۱-۱ حوزه حمایت از سرمایه

اساس و پایه کار و تولید، «سرمایه» است. سرمایه‌گذاری موفق داخلی لازمه داشتن تولیدات موفق ملی است که بتواند تولیدات جوامع دیگر از جمله، جوامع کفر را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و حتی با صدور کالا به کشورهای دیگر، زمینه گسترش فرهنگ اسلامی را در اقصی نقاط جهان فراهم سازد. دولت به عنوان مهم‌ترین نهاد در جامعه اسلامی وظیفه دارد که از سرمایه‌های افراد مردم و اموال عمومی ملت در جهت تولیدات داخلی موفق حمایت کند. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که دولت در راستای حمایت از سرمایه مسلمین می‌تواند انجام دهد عبارتند از:

۱-۱-۱-۱-۱ فرهنگ‌سازی براساس ارزش‌های دینی و حمایت از سرمایه‌گذار

اولین و مهم‌ترین مواردی که دولت‌مردان، باید در حمایت از سرمایه مسلمین مد نظر قرار دهند، فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری بر پایه ارزش‌های دینی و نهادینه کردن آن است، به گونه‌ای

که سرمایه‌گذار با نیت رفع نیاز جوامع بشری و تولید کالاهای باکیفیت، قدم به عرصه سرمایه‌گذاری و تولید بگذارد.

امام صادق (ع) در واگذاری سرمایه خود به یکی از اصحابش، به نام «عذافر»، برای انجام کار تجارت، فرمود: «أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرَّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۶): «توجه کن که مرا رغبتی در سود آن نیست - گرچه سود تجارت امر مرغوبی است - و لیکن من از آن جهت در صدد انجام آن هستم که دوست دارم خداوند مرا در حالی که به دنبال فواید آن [برای جامعه] هستم ببیند».

در این راستا، لازم است که دولت حمایت‌های لازم از فرد سرمایه‌گذار را به عمل آورد و چنین افرادی را که از مصادیق بارز «يُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ» هستند و با اموال خود اقتصاد جامعه را رونق می‌بخشند همانند رزمندگان و مجاهدان میدان نبرد میان حق و باطل، مورد احترام و تکریم قرار دهد. همچنین، دولت باید قوانین و مقررات حاکم بر اقتصاد جامعه را به گونه‌ای سامان دهد که اجرای آنها موجب کارآمدی و تقویت نیروی سرمایه‌گذاران و دیگر مؤثران در تولیدات اقتصادی جامعه باشد و فضای کسب و کار و تغییر و تحول را فراهم سازد و به جای ایجاد مانع، بیشتر درصدد رفع موانع و تسهیل امور برآید. فقدان حمایت و ترک اکرام و احترام نسبت به این سرمایه‌گذاران و بی‌توجهی نسبت به کار آنها عواقب جبران‌ناپذیری چون: گسترش بی‌کاری - که فساد و دیگر ناهنجاری‌های فرهنگی، اجتماعی و... را به دنبال دارد - عقب‌ماندگی، بی‌اعتمادی و ورود کالاهای بیگانه توأم با نفوذ فرهنگ آنان به بار خواهد آورد (مهرآیین، بی‌تا، ص ۲۰).

۱-۱-۱-۲- اطلاع‌رسانی

برای این که یک سرمایه‌گذار بتواند در کار خود، موفق باشد، در ابتدا لازم است که از حیطه‌ای که می‌خواهد در آن، به فعالیت بپردازد، شناخت لازم و کافی را کسب کند؛ زیرا چه بسا سرمایه‌دارانی که سرمایه لازم و کافی را برای ایجاد پروژه‌های عظیم اقتصادی دارند، ولی نمی‌دانند که در چه طرح و پروژه‌ای باید سرمایه‌گذاری کنند یا در صورت دانستن، نمی‌دانند که آن طرح و پروژه را چگونه باید به اجرا بگذارند.

در این موقعیت است که اطلاع‌رسانی از سوی دولت‌مردان و مسئولین ضرورت پیدا می‌کند؛ امام علی (ع) طی روایتی می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ... تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۹، خطبه ۳۴): «ای مردم! بدانید که مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. اما حق شما بر من آن است که... به شما تعلیم دهم تا نادان نمانید». پیامبر اکرم (ص) نیز در ابتدای حکمی که برای عتّاب بن اسید به عنوان والی مکه نوشت، خطاب به مردم مکه چنین فرمود: «قَدْ قَلَّدَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَتَّابَ بْنَ أَسِيدٍ أَحْكَامَكُمْ وَ مَصَالِحَكُمْ وَ قَدْ فَوَّضَ إِلَيْهِ... تَعْلِيمَ جَاهِلِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۲۳): «محمد پیامبر خدا حکم هر کار شما و هر مصلحت شما را بر عهده عتّاب بن اسید گذاشت؛... و تعلیم دادن جاهلان از شما را وظیفه وی قرار داد». واژه تعلیم در این حدیث مطلق است و تمام امور لازم برای افراد جامعه را در برمی‌گیرد و تنها به معنی سوادآموزتن نیست. بدیهی است که یک سرمایه‌گذار باید به استعداد و توانایی‌های خود از یک سو و به بازار کسب و کار در محیط زندگی خود از سوی دیگر، احاطه کامل داشته باشد تا مبادا پس از اقدام و راه‌اندازی ایده‌های خود، با مشکل مواجه شود و به نتیجه مطلوب، دست پیدا نکند. رسول اکرم (ص) در این زمینه، سخن زیبا و راهگشایی دارند: «الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ تَابِعُهُ» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۳ / طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۸ / ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۷۳): «علم و دانش پیشرو و امام کار و کار، پیرو علم و دانش است». بنابراین، اگر فردی بخواهد در زمینه دلخواه خود، سرمایه‌گذاری کند، در ابتدا، باید اطلاعات لازم را در آن زمینه کسب کند و بیهوده، سرمایه و عمرش را در راهی که سرانجامش معلوم نیست تلف نکند.

۱-۱-۳- استفاده بهینه از منابع و سرمایه‌های طبیعی کشور

از دیگر اقداماتی که دولت در حمایت از سرمایه‌های مسلمین می‌تواند انجام دهد استفاده بهینه و درست از منابع طبیعی کشور است. امام سجاد (ع) در دعایی می‌فرماید: «بَارِكْ لِي فِي مَا رَزَقْتَنِي وَ فِي مَا حَوَّلْتَنِي وَ فِي مَا أُنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ» (امام علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸): «خدایا توفیق ده نعمت‌ها و امکاناتی را که در اختیارم نهاده‌ای و به من انعام کرده‌ای به گونه‌ای برکت‌زا به کار گیرم و از آنها استفاده کنم».

استفاده نادرست از منابع و سرمایه‌های طبیعی موجب زوال و نابودی آنها خواهد شد. در روایتی دیگر از امام سجاد (ع) آمده است: «لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۵۵): «هرگاه، از نعمت‌ها استفاده درست به عمل آوری، پایان نمی‌پذیرد و اگر از آنها نادرست بهره‌برداری کنی، دوام نمی‌یابد».

استفاده نادرست از این منابع انواع مختلفی دارد که از مهم‌ترین آنها فروش منابع طبیعی به صورت خام است. کشورهای ثروتمند این منابع را به بهایی اندک می‌خرند و پس از انجام تغییراتی، به بهای گزاف به صاحبان اولیه آنها می‌فروشند. در این موارد، کشورهای ثروتمند، نقش دلالان ماهری را بازی می‌کنند؛ واسطه‌هایی که در سیمای دایه‌های دلسوزتر از مادر، ثروت‌های کلان کشورهای جهان سوم را می‌ربایند و سرانجام، با فروش فرآورده‌های صنعتی به آنان، اندک پولی را که در مقابل منابع و کار فراوان به آنها داده‌اند، از ایشان باز می‌ستانند (فراهانی فرد، ۱۳۷۸، ص ۵۰).

این خود، نوعی تسلط بیگانگان بر سرمایه مسلمان است که قرآن کریم آن را بشدت رد می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (النساء: ۴ / ۱۴۱): «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است».

استفاده نادرست از منابع، به آنچه گفته شد محدود نمی‌شود. مصرف‌گرایی و بدتر از آن، تولید اشیای زیان‌آور و مخرب که اغلب بسیار گران است، از موارد دیگر اتلاف منابع شمرده می‌شود که دولت اسلامی باید از آن جلوگیری نماید، زیرا مصداق تضييع اموال عمومی است. براساس آموزه‌های دینی، مسلمانان در حفظ اموال عمومی و استفاده درست از آنها مسئول هستند و باید از اسراف، ضایع‌سازی و تدبیر نادرست در این اموال بپرهیزند. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَعَهُمْ ضَيَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۴۵): «کسی که ولایت امری از امور مسلمانان داشته باشد، و کار ایشان را ضایع و تباه کند، خدای بزرگ او را تباه خواهد کرد».

۱-۱-۱-۴- برقراری امنیت اقتصادی

امنیت در لغت به معنای آرامش خاطر و زوال خوف و بیم است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۰) و با مفهوم‌هایی همچون ثبات و عدم خطر (ریسک) ملازم است. در کلام معصومین (ع) امنیت به معنای لغوی و عرفی آن به کار رفته و تأمین آن بسیار مورد تأکید قرار گرفته و در برابر، ناامنی در جامعه تقبیح شده است. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَا يَأْمَنُ فِيهِ الْقُطَّانُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۰): «بدترین وطن‌ها، وطنی است که ساکنانش در آن در

امان نیستند». ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَ لَا خِصْبَ» (همان، ص ۴۰۹): «بدترین شهرها، شهری است که در آن، امنیت و سرسبزی وجود ندارد». فقدان امنیت، حیات اقتصادی را به خطر می‌اندازد و با آشفته ساختن ذهن و روان مردم، مانع آسایش و رفاه اجتماعی و اقتصادی و هرگونه کار و کوشش می‌شود.

دولت اسلامی باید از شکل‌گیری جوّ هراس و وحشت در جامعه جلوگیری کند و با اصلاحات فرهنگی لازم و تغییر نگرش‌ها نسبت به مال و سرمایه و نقش آن در رشد اقتصادی و رفع مشکلات، فضای مناسب را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی و تجاری فراهم سازد و از شدت یافتن دامنه اختلافات و فتنه‌ها و هر آنچه به زیان جامعه اسلامی می‌انجامد جلوگیری کند؛ چنانکه امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، پس از توصیه‌ها و سفارش‌هایی در مورد بازرگانان و صنعت‌گران، چنین می‌افزاید: «ثُمَّ التَّجَارَ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فَاسْتَوْصِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... فَاحْفَظْ حُرْمَتَهُمْ وَ آمِنْ سُبُلَهُمْ وَ خُذْ لَهُمْ بِحَقُّوقِهِمْ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳ / ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۵۸): «سفارش مرا در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، ... حرمتشان را پاس بدار؛ راه‌های فعالیتشان را امن گردان و در حفظ حقوق آنها بکوش».

یکی از طرق ایجاد امنیت در جامعه، حضور فعال نیروهای انتظامی است که وجودشان به زندگی مردم، آرامش ببخشد و ستم‌دیدگان آنها را پشتیبان خود بدانند و فعالیتشان محیط جامعه را برای زورگویی، عیاشی، چپاول و غارتگری ناامن سازد. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، سپاهیان، «دژ رعیت» معرفی شده‌اند که اسباب امنیت آنها را فراهم می‌کنند، تا حدی که رعیت، جز به وسیله ایشان نمی‌تواند بر سرپا بایستد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ يَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» (شریف رضی، همان): «سپاهیان - به فرمان خدا - دژهای استوار مردم، و مایه شکوه حاکمان و عزت دین، و امنیت راه‌ها هستند و زندگی رعیت جز با سپاهیان ثبات نیابد».

با توجه به این حدیث و توصیه‌های مشابه از آن حضرت و دیگر پیشوایان دینی بروشنی، می‌توان تأثیر امنیت را در جهت سرمایه‌گذاری و تولید دریافت. همچنین، بدیهی است که دولت با فراهم کردن این امنیت، نقش مهمی را در حمایت از تولیدات مسلمین ایفا خواهد کرد.

۱-۱-۲- حوزه حمایت از کار و تولید

برای این که جامعه اسلامی بتواند به اوج اقتدار و پیشرفت در زمینه کار و تولید، دست پیدا کند، دولت موظف است علاوه بر انجام اقداماتی که در زمینه حمایت از سرمایه گفته شد، اقداماتی را نیز در جهت حمایت از کار و تولید انجام دهد و زمینه لازم برای اشتغال، رشد تولید از لحاظ کمی و کیفی و استفاده از کالاهای تولید داخل را در جامعه به وجود بیاورد. در ادامه به توضیح این اقدامات و ضرورت انجام آنها توسط دولت پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲-۱- تلاش در راه بهبود وضعیت معنوی و اخلاقی عموم مردم

برخی از آیات قرآن حاکی از این است که همواره باید در نگرش افراد، میان مادیات و معنویات، تعادل برقرار باشد؛ مانند این آیه شریفه: «وَ اتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَفْسِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» (القصص: ۲۸ / ۷۷): «و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن». و نیز آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (المنافقون: ۶۳ / ۹): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهار،] اموال شما و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل نگرداند».

از امام علی (ع) در تفسیر آیه ۷۷ سوره قصص، چنین آمده است: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاقَكَ وَ شَبَابَكَ وَ كَشَاطَكَ أَنْ تُطَلَّبَ بِهَا الْآخِرَةَ» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۲۲۹): «تندرستی و قوت و فراغت و جوانی و نشاطت را فراموش مکن و بوسیله این (پنج نعمت بزرگ)، آخرت را بطلب». این آیه هشدار می‌دهد که همه انسان‌ها که فرصت‌ها و سرمایه‌ها را از دست ندهند و ضمن بهره‌بری از نعمت‌های مادی، آنها را در راه معنویت و کسب سعادت اخروی بکار برند. این تعادل منطبق بر فطرتی است که در نهاد هر انسان وجود دارد و لازم است در ترکیب و برنامه‌های حکومت اسلامی نیز این جهات مراعات شود. بدین معنی که حکومت نباید همّت خود را تنها به جنبه‌های مادی اختصاص دهد و از جنبه‌های روحانی و معنوی افراد، غافل شود؛ بلکه وظیفه دارد در زندگی امت اسلامی، میان جهات مادی و معنوی افراد، توازن و تعادل ایجاد کند و با توجه به تمام واقعیت‌های ظاهری و باطنی و تمام خواسته‌های انسانی جهتی را فدای جهت دیگر نکند. البته، توجه به جنبه‌های روحی و اخلاقی افراد جامعه جدا از تقویت جنبه‌های مادی نیست؛ بلکه در سایه تقویت جنبه‌های روحی و اخلاقی، جنبه‌های مادی نیز تقویت می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۴۲۰).

تقویت ابعاد روحی و اخلاقی مردم توسط دولت، از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خود را برپایی فضایل اخلاقی در میان مردم بیان کردند و فرمودند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۷۲): «من برای [ترویج] فضایل اخلاقی، برانگیخته شدم». آن حضرت به عمال و کارگزاران خود توصیه می‌کرد که در اداره امور مردم، همت خود را به تربیت و اصلاح آنان مبذول دارند. برای نمونه، هنگامی که معاذ بن جبل را به سمت فرمانداری گسیل داشت، به او توصیه کرد: «يَا مُعَاذُ عَلَّمَهُمُ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَحْسِنِ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۵): «ای معاذ، کتاب خدا را به ایشان بیاموز و آنان را با اخلاق نیکو تربیت کن».

با اندکی تأمل در این که چرا پیامبر گرامی اسلام هدف از بعثت خود را گسترش فضایل اخلاقی دانستند و این امر را به کارگزاران خود هم توصیه کردند، می‌توان فهمید که در حقیقت، اساس و بنیان یک اقتصاد سالم، رعایت فضایل روحی و اخلاقی، آن هم در حدّ اعلای آن است و اگر تک‌تک افراد جامعه به این امر مهم، مبادرت ورزند و هر یک خود ناظر و اصلاح‌کننده اعمال خود باشند، بکلی از بروز مفساد اقتصادی جلوگیری به عمل خواهد آمد. قرآن کریم در توصیف اینگونه افراد که پرداختن به کارهای دنیوی آنها را از تقویت بعد معنوی غافل نمی‌کند می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (النور: ۳۷ / ۲۴): «مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن، زیر و رو می‌شود می‌هراسند». بنابراین، از آنجا که نماز و یاد خدا انسان را از اعمال خلاف باز می‌دارد؛ «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (العنکبوت: ۴۵ / ۲۹)، اگر افراد جامعه‌ای بتوانند در هر سه بعد تولید، توزیع و مصرف، به تقویت این فضایل بپردازند، دیگر، زمینه‌ای برای اعمال نامشروع اقتصادی چون: ربا، قمار، کم-فروشی، گران‌فروشی، انحصارطلبی، اسراف و اعمال ظلم و اجحاف در حق دیگران، وجود نخواهد داشت و همه افراد جامعه می‌توانند در رفاه و آرامش، به گذران زندگی خود بپردازند.

۱-۲-۲-۱- بهبود وضع اقتصادی عموم مردم

افزایش سطح زندگی عموم مردم در حوزه وظایف دولت قرار دارد. دولت باید با ابزارها و شگردهای مختلف، شرایط یک زندگی مطلوب را برای همه افراد جامعه فراهم سازد. در

روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «أَذْكُرُ اللَّهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي... وَ لَمْ يُضِرَّ بِهِمْ فَيْدِلُهُمْ وَ لَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيَكْفِرْهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۶ / حمیری، ۱۴۱۳، ص ۹): «خدا را به یاد آن کس می آورم که پس از من در میان امت، والی و حاکم گردد... به آنان زیان نرساند تا خوار شوند و به فقر گرفتارشان نکند تا کافر گردند».

براساس این حدیث، وضع اقتصادی نامطلوب مردم نه تنها آن‌ها را نسبت به دولت، بلکه حتی نسبت به دین و خدا هم بی اعتماد می کند؛ زیرا دولت با یدک کشیدن نام اسلام، جلوه‌ای مغایر با آنچه اسلام ارائه کرده را به تصویر می کشد و با نالایقی خود، چهره اسلام را خدشه دار می کند. از سوی دیگر، بهبود وضع اقتصادی مردم توسط دولت نه تنها باعث اعتماد و دل بستگی مردم به دین و دولت می شود، بلکه به نوبه خود، می تواند فعالیت‌های اقتصادی را در جامعه شکوفا کند و آهنگ رشد و پیشرفت را شتاب ببخشد و دامنه ابتکارات و نوآوری‌ها را گسترش دهد و از این رهگذر، پایه نظام اجتماعی را استوار سازد. براساس سخنی از امام علی (ع): «مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ مَوْتَةَ النَّاسِ فَقَدْ أَهَلَ قَدْرَتَهُ لِائْتِقَالِهَا» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۳)، دولت مردانی که هزینه‌های مردم را بر خود نپذیرند (و برای بهبود سطح زندگی مردم نکوشند، ناخودآگاه)، زمینه انتقال قدرت را به دیگران فراهم می سازند.

۱-۱-۲-۳- تربیت افراد متخصص و متعهد و اصلاح مدیریت در بخش‌های دولتی

هر جامعه‌ای برای رشد و پیشرفت مطلوب، به نظام آموزشی کارآمد و تربیت نیروی انسانی ماهر نیازمند است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴ / حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۵): «هر کس بدون علم (مهارت و تخصص)، کاری انجام دهد بیش از آن که آباد سازد، خراب می کند». همچنین، خداوند در قرآن کریم، از بیان حضرت یوسف، به تقدّم مهارت و شناخت بر عمل تصریح می کند و می فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵ / ۱۲): (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم». این آیه علاوه بر تخصص و مهارت، به تعهد در انجام وظایف محوله که همان محافظت از اموال مردم است نیز اشاره دارد.

بر این اساس، افرادی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص‌های لازم را ندارند، نباید در اینگونه تصدی‌ها به

کار گرفته شوند. به کارگیری مدیران و کارگزاران متعهد و کاردان، بستر مناسب را برای رشد اقتصادی و اجرای درست سیاست‌های اقتصادی دولت و دیگر فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر در زمینه حکومت‌داری، فرمود: «فَوَلِّ مَنْ جُنُودِكَ... أَجْمَعَهُمْ عِلْمًا وَ سِيَاسَةً مِمَّنْ... يَرَأْفُ بِالضُّعْفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳/ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۲): «مسئولیت را به کسانی واگذار کن که گذشته از مهارت علمی و توانمندی در سیاست‌گذاری، طرفدار ضعیفان باشند و به زورمندان گرایش نیابند و راه را برای سلطه و استثمار آنان نگشایند».

بنابراین، دولت باید به اصلاح مدیریت در بخش‌های مختلف دولتی پردازد و اصلاح مدیریت‌ها زمانی روند مطلوبی دارد که افراد خداترس، باوجدان، آینده‌نگر، امین و باتجربه بر رأس امور نهاده شوند، افرادی که با آگاهی به مسائل مختلف و شناسایی مشکلات مردم، طرح‌ها و برنامه‌ها را عملی سازند و اموال عمومی را در مسیری به جریان بیندازند که صلاح اسلام و مسلمین در آن باشد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «... فَإِنَّ مِنْ فِتْنَاءِ الْأَسْلَامِ وَ فِتْنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تُصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۵): «از عوامل فتنای اسلام و مسلمانان آن است که اموال به دست کسانی بیفتد که حق مال (و مالدار) و توان اقتصادی داشتن) را ندانند و اموال را در راه خیر به مصرف نرسانند». بدیهی است کسانی می‌توانند بدرستی، حق مال را ادا کنند که در زمینه‌ای که اموال به آنها سپرده شده، از تخصص و تعهد کافی برخوردار باشند.

۱-۲-۴- برنامه‌ریزی برای اشتغال

از جمله کارهایی که دولت می‌تواند در حمایت از کار، تولید و سرمایه‌های مسلمین انجام دهد زمینه‌سازی برای اشتغال است. این کار با فراهم کردن فرصت‌های شغلی و تأمین معیشت افراد از طریق تأسیس مؤسسات عمومی و راه‌اندازی پروژه‌های صنعتی و کشاورزی انجام‌پذیر است - پروژه‌هایی که به افزایش ثروت عمومی کمک می‌کند و افراد جامعه را در سود آنها شرکت می‌دهد. دولت اسلامی موظف است با آسان کردن راه‌های سرمایه‌گذاری، اعطای کمک‌های مالی و تخصیص تسهیلات اعتباری، «کشاورزان، صنعت‌گران و بازرگانان را تشویق کند تا زمین‌ها، کشت و صنایع راه‌اندازی شوند و بازارها رونق یابند» (اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت و تشکیل حکومت، در همان حال که درگیر جنگ‌های متعدّد با کفار قریش و یهودیان محارب بود، از گسترش فعالیت‌های اقتصادی مردم نیز غفلت نمی‌کرد؛ بلکه با انجام اقدامات گوناگون، زمینه اشتغال مسلمانان را فراهم می‌آورد: «گاهی، با انعقاد قراردادهایی چون مساقات و مزارعه بین انصار و مهاجران که شغل و زمینی نداشتند، زمینه اشتغال مهاجران و افزایش بهره‌وری زمین‌های انصار را فراهم می‌کرد و گاهی، با واگذاری زمین جهت ساخت بازار و حمام و غیره، فعالیت‌های تجاری و خدماتی را گسترش می‌داد (صدر، ۱۳۷۴، ص ۶۶). این روش در سال‌های پس از رحلت پیامبر (ص) نیز در جامعه اسلامی، ادامه داشت.

۱-۲-۵- واگذاری کارهای تولیدی به مردم (بخش خصوصی)

از آنجا که به طور معمول، واگذاری کارهای تولیدی به مردم باعث کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کارایی و بهره‌وری می‌شود، دولت موظف است که جز در مواردی که به سبب نیاز به سرمایه فراوان، از توان بخش خصوصی خارج است، یا ملاحظات امنیتی و رعایت منافع ملی، ضرورت دخالت مستقیم دولت را ایجاد می‌کند، در سایر موارد، نقش نظارتی داشته باشد و سرمایه‌های بخش خصوصی را به سمت تأمین نیازهای جامعه و ایجاد اشتغال موّلد، هدایت و با حمایت‌های عملی و قانونی، موانع را رفع و روند سرمایه‌گذاری و تولید را تسهیل کند (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

از سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و دیگر حضرات معصومین (ع)، استفاده می‌شود که آن بزرگواران در جایگاه حاکم اسلامی، در مواردی که اقدامات شخص یا اشخاصی باعث ضرر و زیان بر مسلمانان، تعدی به حقوق دیگران، اشاعه فساد و تباهی، عرضه کالاهای ممنوع و ایجاد کمبود کالاها به ویژه کالاهای اساسی می‌شد، بسرعت، دخالت و فساد را از ریشه قطع می‌کردند. امام علی (ع) در توصیف سیره پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَنَّ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۱۵): «پیامبر خدا (ص) بر محتکران گذشت و فرمان داد تا اجناس احتکاری ایشان را به میان بازارها برند و در برابر چشم مردم، قرار دهند». اما در غیر از این موارد فعالیت‌های اقتصادی را به خود مردم واگذار می‌کردند و به عنوان دولت، در فعالیت‌های اقتصادی شرکت نمی‌کردند.

بسیاری از احکام اقتصادی و حقوقی اسلام به گونه‌ای است که بستر مناسبی را برای فعالیت و مشارکت بخش خصوصی فراهم می‌سازد، برای نمونه، با اینکه اراضی موات و معادن از انفال شمرده می‌شود و در اختیار حاکم و دولت اسلامی است، سیاست اصولی پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) بر این بوده که احیای زمین‌های موات و بهره‌وری از معادن به مردم واگذار شود و دولت اسلامی بر بخش خصوصی نظارت داشته باشد. روایتی از امام باقر (ع) شاهدهی بر این مطلب است که فرمود: «أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَوْا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا فَهَمُّ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُمْ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۵۲): «هر گروهی که زمینی را آباد سازند به آن، حق اولویت دارند و زمین مال آنهاست». البته، دولت اسلامی باید بر اینگونه امور نظارت داشته باشد و هر جا که مصالح مسلمانان اقتضا کند محدودیت‌هایی را پدید آورد.

۱-۲-۶- نظارت بر تولید

یکی از وظایف جدی حکومت اسلامی آن است که برای تجسم بخشیدن به اصول و معیارهای تولید در جامعه اسلامی، در میدان تولید به کار برخیزد و شالوده تولید جامعه را با تکیه بر موازین اسلامی بریزد و بر عملی شدن آن نظارت جدی کند. از این رو، بر حکومت، لازم است که به تولیدکنندگان اجازه ندهد تا چیزهایی را که برای عموم جامعه نفعی ندارد و حتی ممکن است قوام جامعه و منافع و مصالح افراد را به خطر اندازد و موجبات اشاعه فساد را در جامعه اسلامی فراهم کند - نظیر: تولید خمر و نوشابه‌های الکلی و آلات لهو و لعب - تولید کنند.

اصول و مقیاس‌های یاد شده نه تنها این تولیدات، بلکه هر شکلی از اشکال اسراف و تجملات مصرف‌گرایانه اشرافی را نیز به صورتی قاطع رد می‌کند؛ زیرا تولید اینگونه کالاها - به صورتی ریشه‌دار - با اصول اسلامی در تضاد است و این تولیدات از مهم‌ترین عوامل پی‌ریزنده تفاوت‌های ویرانگر، و براندازنده زندگی سالم توده‌ها و زمینه‌ساز پدیدآوردن بی‌بندوباری در اخلاق عمومی و اتلاف اموال مردم، و ترویج قارونی‌گری در مصرف، و متزلزل شدن اسباب قوام و رشد مبتنی بر خیر و فضیلت در اجتماع هستند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «... كُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلَّمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَالتَّجَارَةِ وَالصِّيَاغَةِ... وَ أَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَبِهَاقْوَامُهُمْ وَفِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ

لَعْيَرِه» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۸۵۹): «... همه صنعت‌هایی که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند، نظیر تحریر و حساب و تجارت و زرگری و...، و (ساخت) انواع مختلف آلاتی که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها سود می‌برند و مایه قوام زندگی، و وسیله‌ای برای دست‌یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی اینها و تعلیم دادن آنها - چه برای خود و چه برای دیگران - حلال است». بنابر این حدیث، معیارهای تولید در جامعه اسلامی عبارتند از: اصل احتیاج عمومی، اصل سودمندی عمومی، اصل حفظ قوام زندگی اجتماعی و اصل پاسخگویی به نیازمندی‌های عمومی. در نتیجه، بر دولت اسلامی لازم است که از تولید کالاهایی که روحیه اشرافی‌گری و مصرف‌گرایی را در جامعه رواج می‌دهد و اسباب تحمیل فقر و نیازمندی را بر عموم مردم فراهم می‌کند، جلوگیری کند؛ زیرا تولید چنین کالاهایی مستلزم مصرف مقدار فراوانی از مواد اولیه است و ممکن است موجب کاهش تولید اجناس و کالاهای ضروری و مورد نیاز همگان گردد و به بالا رفتن بهای این کالاها نیز منجر شود.

۱-۱-۲-۷- نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها

اگرچه اسلام کسب سود و منفعت مشروع را در معامله بنابر مفاد آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (البقره: ۲/۲۷۵) پذیرفته است؛ ولی طمع انسان‌ها آنها را به بازی با قیمت‌ها، اجحاف به دیگران برای کسب سود بیشتر، احتکار و کارهای زیان‌آور دیگر می‌کشاند. بدیهی است که جلوگیری از این امور بدون دخالت دولت، امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، پس از سفارش به او در مورد بازرگانان و صنعتگران، می‌فرماید: «... وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْفًا فَاحِشًا وَشُحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ تَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلُّ بِه...» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳، ص ۴۳۸): «و با این وصف، بدان، که در میان کاسبان و بازرگانان، بسیار کسان هستند که معاملتی بد دارند؛ بخیل‌اند و احتکار می‌کنند، و در داد و ستد، اجحاف روا می‌دارند. و اینها همه باعث زیان همگان است و عیب بر والیان. پس، از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا (ص) از آن منع فرمود و باید که خرید و فروش، به آسانی، صورت پذیرد و با میزان عدل، انجام گیرد و با نرخ‌هایی نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار و آن کس که پس از منع تو، دست به احتکار زند او را کیفر ده».

گاهی ممکن است عده‌ای در بازار با کاهش قیمت، کوشش کنند رقبا را از میدان، دور سازند تا پس از چندی، بازار را در اختیار خویش بگیرند؛ از این‌رو، هرگاه، شخصی قیمت کالا را پایین‌تر از سطح قیمت بازار عرضه کند باید بررسی شود که علت حرکتش چیست؛ همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) هنگام مشاهده فروشنده‌ای که کالای خویش را به قیمتی پایین عرضه می‌کرد، از انگیزه این کار، پرسش کرد و از حسن نیت وی، اطمینان حاصل نمود (خوش‌نویس، ۱۳۵۹، ص ۳۳۱/ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲، ص ۲۹۱). در این راستا، گشت‌زنی در بازارها و انجام اقدامات لازم و به‌موقع به محض دیدن هرگونه تخلف از احکام و مقررات یا هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، از وظایف دولت شمرده می‌شود.

در فرآیند نظارت بر بازار، گاهی قیمت‌گذاری کالاها توسط دولت انجام می‌گیرد. البته، اصل اولیّه این است که اگر قیمت‌ها به روال عادی و در حدّ عادلانه، تعیین شوند، دولت نباید در نرخ‌گذاری دخالت کند؛ بلکه باید اشراف و نظارت بر قیمت‌ها داشته باشد تا از حدّ مطلوب خارج نشود. در این زمینه، سخنی از رسول اکرم (ص) در پاسخ به درخواست مردم مبنی بر تعیین قیمت کالاهای احتکار شده، آمده است؛ «إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ... فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۱۵/ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۸۸): «قیمت در اختیار خداوند است، هرگاه بخواهد آن را بالا می‌برد و هرگاه بخواهد آن را تنزل می‌دهد... مردم را رها کنید تا از همدیگر سود برند»، ولی در صورتی که شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه از حالت سالم و عادی خارج شده و احتکار، گران‌فروشی، اجحاف و دیگر پدیده‌های نامطلوب بر جامعه حاکم گردد، دولت اسلامی می‌تواند قیمت کالاها را تعیین کند. کلامی که از امام علی (ع) در بحث نظارت بر بازار نقل شد بر این مطلب دلالت دارد.

۱-۱-۲-۸- کنترل و هدایت واردات کالا

تنظیم درست بازرگانی یک کشور و اتخاذ سیاست‌های مناسب در زمینه واردات کالاها باعث رونق اقتصاد و تأمین منافع ملی آن کشور می‌شود و چه خوب است که این سیاست‌ها براساس اصول مأخوذ از کلام امام صادق (ع) (احتیاج عمومی، سودمندی عمومی، حفظ قوام زندگی اجتماعی، پاسخگویی به نیازمندی‌های عمومی) که در سابق به آن اشاره شد، اتخاذ گردد؛ زیرا این اصول، تنها به حوزه تولید منحصر نشده و عرصه واردات کالاها را هم در بر می‌گیرد. از این‌رو، میزان واردات باید با نیازهای ضروری و اساسی جامعه و توان مالی کشور

اسلامی متناسب باشد و سیاست‌های اقتصادی دولت به گونه‌ای تنظیم شود که فقط به اقلامی که مورد نیاز واقعی کشور است و امکان تولید آن در داخل وجود ندارد اجازه واردات داده شود؛ زیرا واردات بی‌رویه باعث رکود اقتصاد داخلی و به دنبال آن، تعطیل شدن برخی واحدهای تولیدی و بیکاری عده‌ای از شاغلان، می‌شود و در این میان، تنها کشورهای صادرکننده کالا و عده‌ای اندک از واردکنندگان با نادیده گرفتن منافع ملی، سود سرشاری خواهند برد و روند وابستگی کشور به بیگانه تشدید خواهد شد.

علاوه بر آنچه گفته شد، واردات بی‌رویه کالا باعث ورود فرهنگ بیگانه و انفعال و شکست صنایع داخلی نیز می‌شود و جامعه اسلامی را بیش‌ازپیش، مصرفی بار خواهد آورد؛ زیرا با وجود واردات کالاهای خارجی، جامعه نیازی برای تولید اینگونه کالاها احساس نخواهد کرد و در نتیجه، هیچگونه تلاشی هم در جهت تولید آنها نخواهد داشت (ذاکری شاندیز، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷). در اینجا سیاست‌ها و تصمیمات دولت در سطح کلان، برای کنترل و هدایت واردات، نقشی تعیین کننده دارد؛ زیرا دولت‌ها قادرند با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب و اعمال کنترل‌های لازم از ورود کالاهای لوکس و تجملی و نیز اقلامی که واردات آنها باعث رکود تولیدات داخلی می‌شود جلوگیری کنند. در این شرایط است که با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر مناسب، میزان واردات به طور طبیعی و منطقی کنترل و هدایت می‌شود و از پیامدهای منفی آن بر اقتصاد داخلی جلوگیری به عمل می‌آید.

۱-۱-۲-۹- رعایت عدالت مالیاتی

رعایت عدالت در تعیین میزان و نوع مالیات‌های متغیر و همچنین، انتخاب درست مشمولان مالیاتی سبب می‌شود که مردم مقدار بیشتری از درآمد خود را پس‌انداز و آن را در جهت رشد تولید و در نتیجه افزایش اشتغال‌زایی سرمایه‌گذاری کنند. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «... وَ لَا يَتَقَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ حَقَّقْتَ بِهِ الْمُؤْتَةَ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ ذُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَ تَرْيِينِ وَلَائِيكَ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳، ص ۴۳۴): «آن مقداری که بار آنان [کشاورزان و سایر مردم] را سبک کنی [کمتر، از آنان خراج و مالیات بگیری] بر تو سخت و گران نباشد؛ چرا که آن مقدار اندوخته‌ای باشد که به تو باز می‌گردانند؛ شهرهایت را آباد می‌کنند و آراستگی در قلمرو حکومت پدید می‌آورند». بدین ترتیب، مولا علی (ع) حاکمان را به رعایت عدالت در گرفتن مالیات از مردم دعوت و بر نقش این امر در

افزایش سرمایه‌گذاری تأکید می‌کند. با توجه به سخن امام (ع) به اندازه‌ای باید از مشمولان مالیات گرفته شود که مازاد بر نیازشان باشد و آنها را از تولید و سرمایه‌گذاری باز ندارد.

۱-۲- تولیدکننده‌ها

تولیدکننده‌ها در یک جامعه اسلامی، دوّمین ضلع حمایت از کار و تولیدات داخلی را تشکیل می‌دهند و رشد تولیدات جامعه چه از لحاظ کیفیت و چه کمیت تا حدّ زیادی به نحوه عملکرد آنها بستگی خواهد داشت. تولید کالاهای باکیفیت و ارزان و حفظ رضایت و اعتماد مصرف‌کنندگان، گامی مؤثر در راستای این اقدام بزرگ به شمار می‌آید. در ادامه، به توضیح وظایف تولیدکننده‌ها در جامعه و چگونگی عملکرد آنها در فرآیند حفظ کیفیت تولید پرداخته خواهد شد که شامل مباحثی همچون غش در معامله، تبلیغ دروغین، کم‌فروشی و گران‌فروشی می‌شود.

۱-۲-۱- پرهیز از غش (فرب) در معامله

از مهم‌ترین وظایف تولیدکننده‌ها که در آموزه‌های دینی بسیار به آن توجه شده است پرهیز از غش (فرب و خیانت) در داد و ستد است. «غش» در لغت به معنای گول‌زدن، برخلاف باطن سخن گفتن و نامناسب را سودمند جلوه دادن و خیانت آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۴۱). اهمیت این موضوع تا جایی است که در فرهنگ اسلامی فرد خیانت‌کار، خارج از جرگه مسلمانان به شمار رفته است؛ چنانکه در روایتی از پیامبر اکرم (ص) خطاب به فرد خرمافروشی که در صدد فرب مسلمانان بود آمده است: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۰): «آیا نمی‌دانی که هر کس مسلمانان را بفربد از آنان نیست». فرب در معامله انواع مختلفی دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲-۱- عرضه کالاهای تقلبی

در آموزه‌های دین اسلام، تحمیل کالاهای نامرغوب به جای کالاهای مرغوب یا مخلوط نمودن آن‌دو و آمیختن کالای ارزان قیمت به کالای قیمتی به گونه‌ای که از هم شناخته نشوند، از مصادیق غش در معامله به شمار رفته و از آن منع شده است. یکی از یاران امام کاظم (ع)

می‌گوید: «كُنَّا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ (ع) فَإِذَا دَنَايِرُ مَصْبُوبَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فَنَظَرَ إِلَى دِينَارٍ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ ثُمَّ قَطَعَهُ بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ قَالَ لِي: أَلْفِهِ فِي الْبَالُوَعَةِ حَتَّى لَا يُبَاعَ شَيْءٌ فِيهِ غِشٌّ» (کلینی، همان، ص ۱۶۰): «نزد امام (ع) بودیم و دینارهایی نزد حضرت بود. امام به یکی از دینارها نگریست و آن‌گاه آن را برداشت و دو نیم کرد و به من فرمود: آن را در چاه انداز تا چیزی که تقلبی است فروخته نشود».

قابل ذکر است که در زمان اهل بیت، پول از جنس طلا و نقره بود و ارزش آن به وزنش بستگی داشت؛ مثلاً، دینار که یک مثقال طلا بود با ده درهم معاوضه می‌شد. در حدیث فوق-الذکر هم سخن از فروش دینار تقلبی به میان آمده است. در روایتی دیگر از امام صادق (ع) در مورد مخلوط کردن خوراک مرغوب با نامرغوب سؤال شد. ایشان در جواب فرمودند: آن، غش محسوب می‌شود و ناپسند است (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۷).

با توجه به روایات یاد شده، در آموزه‌های دینی، بر بالا بردن کیفیت کالاها تأکید شده و هرگونه فریب و تقلب در داد و ستد و ارائه چهره‌ای غیرواقعی از کالاها، نهی و نکوهش شده است - امری که تجارت در روزگار کنونی در سطوح گوناگون به آن گرفتار است. البته، برای بازار ما که به منزله بازار اسلامی است افزون بر پیامدهای نفی فضای معنوی جامعه و از میان بردن اعتماد عمومی، آثار ناخوشایندی برای اعتبار ملی در سطح جهانی و در نتیجه، خسارات سهمگین اقتصادی برای کشور را به دنبال دارد.

۱-۲-۱-۲- تبلیغات دروغین

تبلیغ در لغت به معنای پیام‌رسانی است و در اصطلاح به «یک نوع پیام‌رسانی که به منظور اثرگذاری در نفس پیام‌گیر انجام می‌شود» تعبیر شده است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). تأثیر این عامل در شکل‌دهی رفتار مصرف‌کنندگان در اقتصاد امروز، کاملاً شناخته شده است و هزینه بسیار سنگینی را از صنایع بسته‌بندی گرفته تا پیام‌های تبلیغاتی در سطح رسانه‌ها و... به خود اختصاص داده است. در عین حال، تبلیغات کالاهای تولیدی و شناسایی آنها به خریداران، امری ضروری است که اگر در مسیر صحیحی قرار گیرد، منافع تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان را تأمین می‌کند. این امر در گستره جهانی، در بازاریابی تولیدات داخلی و رونق اقتصاد ملی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

متأسفانه، امروز شاهد آن هستیم که تبلیغات تجاری اغلب، از فلسفه وجودی خود که معرفی درست کالاهاست فاصله گرفته و با شگردهای ویژه، توأم با جلوه‌ها و تعریفات دروغین، به ابزاری برای جذب خریداران و فروش کالا به هر قیمت، مبدل شده‌اند. بی‌گمان این شیوه تبلیغات به هیچ روی با آموزه‌های اخلاقی و اقتصادی اسلام سازگار نیست. از دیدگاه اسلام، هر گونه اقدام یا تبلیغی که ارزش و اهمیت یک کالا را فراتر از آنچه هست نشان دهد، نکوهیده شده است؛ چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) به رعایت پنج ویژگی در هنگام معامله تصریح شده که یکی از آنها عدم ستایش از کالا در هنگام فروش است^۱ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۶).

از سوی دیگر، در آموزه‌های اقتصادی اسلام از هرگونه تلاشی که ارزش واقعی کالا را کمتر جلوه دهد نیز جلوگیری شده است؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرَجُلٍ وَمَعَهُ ثَوْبٌ بَيْعُهُ وَكَانَ الرَّجُلُ طَوِيلًا وَالثَّوْبُ قَصِيرًا فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ فَإِنَّهُ أَنْفَقَ لِسَلْعَتِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۱۲): «پیامبر خدا (ص) به مردی رسید که جامه‌ای می‌فروخت. مرد بلند بالا بود و جامه‌اش کوتاه. حضرت به او فرمود: بنشین، چرا که در این صورت، کالایت بهتر به فروش می‌رسد». جامه‌ای که در دست فروشنده بود، در سنجش با بلند بالایی او کوتاه جلوه می‌نمود، از این روی، اندازه و ارزش واقعی آن کمتر به نظر می‌رسید.

نمایاندن ویژگی‌های واقعی کالا و عدم تبلیغ دروغین از آن، از چنان اهمیتی برخوردار است که هشام بن حکم گوید: «كُنْتُ أَبِيعُ السَّابِرِيَّ فِي الظَّلَالِ، فَمَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِي: يَا هِشَامُ، إِنَّ الْبَيْعَ فِي الظَّلَالِ غِشٌّ، وَإِنَّ الْغِشَّ لَا يَجِلُّ» (همان، ج ۱۰، ص ۴۴): «در سایه مشغول فروختن سابری [نوعی پارچه‌ای نازک] بودم که امام کاظم (ع) بر من گذشت و گفت: ای هشام، فروشنده‌گی در سایه، از انواع غش محسوب می‌شود و غش کردن حلال نیست». در بررسی سخن امام، می‌توان نتیجه گرفت که اگر تیرگی اندک سایه روی پارچه، غش و فریب و نارواست، تبلیغات گسترده رسانه‌ای امروز که با جلوه‌های خاص و گاه با مطالب گزافه‌آمیز، مخاطب را از ویژگی‌های اساسی کالای تبلیغ شده غافل می‌کنند و تأثیر شگرفی بر روان وی می‌گذارند نباید جایز باشد.

۱. «مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خُمْسَ... الرُّبَا وَ الْحَلْفَ وَ كَيْفَ الْعَيْبِ وَ الْمَدْحَ إِذَا بَاعَ وَ الذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى».

به هر حال، با توجه به آموزه‌های دینی، تبلیغات درست بازرگانی دارای ویژگی‌هایی هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: معرفی خصوصیات واقعی کالا و پرهیز از ادعاهای گزاف، نمایاندن و شناساندن ضررهای احتمالی و عوارض جانبی و گاه عیب‌های کالا، به حداقل رساندن جنبه‌های بدآموزی تبلیغ، توجه به نکات اساسی و کاستن از جلوه‌های ظاهری آن (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱).

۱-۲-۱-۳- کم‌فروشی

از برجسته‌ترین مصادیق غش در داد و ستد، کم‌فروشی است. این بحث از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در قرآن سوره‌ای را به این عنوان اختصاص داده و کم‌فروشان را مذمت کرده و به یادآوری کار زشت آنها پرداخته است: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (المطففين: ۸۳ / ۱-۶): «وای بر کم‌فروشان که چون از مردم پیمانہ ستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمانہ یا وزن کنند، به ایشان، کم دهند! مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد [در] روزی بزرگ؟ روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان، به پای ایستند».

«مطفّف» از ماده «تطفیف» است. تطفیف به معنی کم کردن پیمانہ و وزن است و «طفیف» یعنی چیز قلیل؛ چون کم کردن در پیمانہ و وزن نسبت به اصل جنس، قلیل است. قرآن می‌گوید: وای بر کم‌فروشان، چون از مردم اخذ کیل کنند تمام می‌گیرند و چون برای فروختن به آنها پیمانہ و وزن نمایند، کم کنند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۲۵). هرچند آیه، بیان‌کننده کم گذاشتن در پیمانہ و ترازوست؛ اما می‌تواند مفهوم گسترده‌تری داشته باشد و هرگونه کم‌فروشی در داد و ستد، کم کاری در ارائه خدمات و در ساعات کار و نیز کاستن از مواد یا کیفیت لازم در کالاهای تولیدی را در بر بگیرد.

اینگونه کم‌فروشی‌ها گناه بزرگی است که علاوه بر مکافات اخروی، کیفر دنیوی را هم در پی دارد؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِذَا طَفَّفُوا الْمِكْيَالَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالسِّنِينَ وَ النَّقْصِ» (کراجکی، ۱۳۹۴، ص ۶۶): «هر گاه مردمان در پیمانہ کم گذارند، خداوند آن‌ها را به تنگسالی و کمبود گرفتار می‌سازد».

در جای دیگر از قرآن، خداوند دستوری فراتر می‌دهد و ضمن اینکه افراد را به ادای حقوق مردم به طور کامل دعوت می‌کند، آنها را از عیب‌گذاری و کم کردن از اجناس مردم نیز برحذر می‌دارد: «... أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود: ۸۵ / ۱۱): «... پیمانانه و وزن را با عدالت، تمام دهید و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب مگذارید و از حق آنان مکاهید و در زمین، به فساد مکوشید». در این آیه، «بخس» به معنای کم شدن چیزی به طریق ظلم است. و «باخس» کسی است که از حق مردم و کار مردم کم می‌گذارد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۱۰). بنابراین، با توجه به این آیه، هر دو حالت کم-فروشی و کم کردن از حقوق مردم یا به عبارتی، از ارزش اجناس مردم کاستن، از مصادیق فساد در زمین شمرده شده و مورد نهی قرار گرفته است. همچنین، در حدیثی که از زبان امام صادق (ع) گذشت، یکی از پنج ویژگی که افراد باید حین اقدام به خرید و فروش، رعایت کنند عدم نکوهش کالای مردم به هنگام خرید آن است (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۸۶).

از سوی دیگر، در روایات اسلامی، بر بیشتر گذاشتن به هنگام فروش و کمتر گرفتن در هنگام خرید، سفارش شده است که در حقیقت نقطه مقابل دو حالت مذموم یاد شده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود: «مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَلَى جَارِيَةٍ قَدِ اشْتَرَتْ لَحْمًا مِنْ قِصَابٍ وَ هِيَ تَقُولُ زِدْنِي فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ زِدْهَا فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبُرْكَه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۲): «امیر مؤمنان (ع) کنیزی را دید که در حال خرید گوشت از قصاب بود و گوشت بیشتر را درخواست می‌کرد. امام به قصاب فرمود: برای او بیفزا که خداوند برکت را افزون کند». این طرز رفتار و برخورد در بازارهای اسلامی و رعایت صداقت و درست‌کاری در معاملات، جوّی از اعتماد و اطمینان را بین خریدار و فروشنده به وجود می‌آورد و موجب افزایش امنیت معاملات و اعتبار بازارهای اسلامی می‌گردد و با افزودن بر فروش کالاهای مختلف در بازارهای داخلی و خارجی، تقاضای بیشتری را سبب می‌شود.

۱-۲-۲- پرهیز از گران‌فروشی

از اهداف مهم دادوستد، درآمدزایی و کسب سود است و نرخ سود را باید بر پایه هزینه‌ها و تأمین منافع تولیدکننده، توزیع‌کننده و مصرف‌کننده تعیین کرد به گونه‌ای که به هیچ کس، ستم نشود. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۸، نامه ۵۳): «و باید خرید

و فروش، آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه خریدار باشد». بنابراین، ملاک ستم نکردن است و هر گاه مقدار سود، ستم به فروشنده یا خریدار باشد، گونه‌ای از «اکل مال به باطل»^۱ در آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (النساء: ۲۹/۴) به شمار می‌آید و ممنوع خواهد بود. گران‌فروشی و نرخ سود بالا دو صورت دارد:

الف) صورت نخست آن است که فروشنده یا فروشنندگان با انحصار و به دست گرفتن بازار، تباری و ایجاد بازار سیاه، به فروش کالای مورد نیاز با نرخ‌های فراتر از اندازه معمول بپردازند. براساس آموزه‌های دینی، بی‌گمان، چنین سودی حرام است؛ چنانکه در روایتی آمده است: «دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ وَقَالَ لَهُ تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ فَإِنَّ عِبَالِي قَدْ كَثُرُوا قَالَ فَتَجَهَّزْ بِمَتَاعٍ وَخَرَجَ مَعَ التَّجَارِ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَنَوْا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلَتْهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ مَتَاعَ الْعَامَّةِ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ فَتَحَالَفُوا وَتَعَاقَدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ الدِّينَارِ دِينَارًا فَلَمَّا قَبَضُوا أَمْوَالَهُمْ وَانْصَرَفُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَمَعَهُ كَيْسَانٌ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفُ دِينَارٍ فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا رَأْسُ الْمَالِ وَهَذَا الْآخَرُ رِبْحٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الرَّبْحَ كَثِيرٌ وَ لَكِنْ مَا صَنَعْتَهُ فِي الْمَتَاعِ فَحَدِّثْهُ كَيْفَ صَنَعُوا وَكَيْفَ تَحَالَفُوا فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَحْلِفُونَ عَلَى قَوْمٍ مُسْلِمِينَ أَلَّا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا رِبْحَ الدِّينَارِ دِينَارًا ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ فَقَالَ هَذَا رَأْسُ مَالِي وَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرَّبْحِ ثُمَّ قَالَ يَا مُصَادِفُ مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۱): «امام صادق (ع) خدمتکارش، مصادف را فرا خواند و به او هزار دینار داد و فرمود: آماده سفر به مصر شو که خانوار من زیاد شده‌اند. مصادف کالایی آماده کرد و همراه تاجران به مصر رفت. در نزدیکی مصر، از کاروانیانی که از آنجا می‌آمدند، شنید که کالای تجاری آنان در مصر نایاب است. وی و دیگر تاجران، هم‌پیمان شدند که کالایشان را با سود

۱. در اسلام، هرگونه تصرف در مال دیگران که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه تحت عنوان «باطل» قرار می‌گیرد. بنابراین، امور ذیل در تحت این قانون کلی قرار دارند: تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسائل فساد و گناه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۵).

کمتر از دینار به دینار (صد در صد سود) نفروشنند. بدینسان نیز رفتار کردند. چون به مدینه بازگشتند مصادف، دو کیسه پول نزد امام گذاشت که در هر کدام هزار دینار بود و گفت: این یکی اصل سرمایه است و آن دیگری سود آن. امام فرمود: این سود زیادی است، بگو ببینم با کالا چه کار کردی؟ مصادف جریان را شرح داد که چه کردند و چه قراری گذاشتند. امام فرمود: سبحان الله، آیا بر ضد گروهی از مسلمانان هم سوگند و هم پیمان شدید که جز با سود دینار به دینار چیزی به آنان نفروشید؟ آن‌گاه امام یکی از آن دو کیسه را برداشت و فرمود: این، سرمایه من است، ما نیاز به چنین سودی نداریم. سپس فرمود: ای مصادف، شمشیر زدن بسی آسان‌تر از جستجوی در آمد حلال است».

ب) صورت دوم آن است که در شرایط عادی و با وجود عرضه فراوان کالا از سوی فروشندگان متعدد و نیز آگاهی خریدار از قیمت واقعی آن، فروشنده‌ای آن را با قیمتی بالاتر بفروشد. چنین کاری هرچند حرام نیست، چنانکه از پاره‌ای از روایات بر می‌آید (ر. ک. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۶۶)؛ ولی روشن است که این کار نمی‌تواند با اصل انصاف و برادری ایمانی سازگار باشد.

بر پایه آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که امروزه، تشکیل کارتل‌ها و تراست‌ها^۱ در صورتی که به ایجاد انحصار در بازار و افزایش غیرمعارف قیمت‌ها منجر شود، به هیچ روی مجاز نیست و گونه‌ای «اکل مال به باطل» است که با نام تجارت انجام می‌گیرد. قرآن کریم بر لزوم رضایت فروشنده و خریدار در معامله تصریح دارد و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ﴾ (النساء: ۲۹ / ۴): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را بنا روا، مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد». بدیهی است که در این گونه معاملات که اشاره شد، تنها رضایت یک طرف وجود دارد.

۱-۳- مردم

^۱ کارتل، ائتلاف چند تولیدکننده برای تعیین قیمت و مقدار کالای تولید شده است که برای مقابله با رقابت و به صورت انحصار چندگانه عمل می‌کند. تراست نیز، گونه دیگری از بنگاه انحصاری است که برخلاف کارتل، دارای مدیریت واحدی است (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).

سومین عامل مؤثر در حمایت از کار و تولیدات مسلمین که سومین ضلع مثلث پیشنهادی در این گفتار را تشکیل می‌دهد مردم در جامعه اسلامی هستند. آنها می‌توانند با اقدامات هوشیارانه‌ای که در ادامه اشاره خواهد شد، پشتوانه محکمی در جهت حمایت از تولیدات داخلی و رسیدن به اقتدار و عزت اسلامی باشند.

۱-۳-۱- رعایت قوانین حکومتی اسلام

مردم موظف‌اند علاوه بر قوانین الهی درباره اموال و فعالیت‌های اقتصادی که از ادله شرعی استفاده می‌شود، قوانینی را که حکومت اسلامی براساس مصالح اسلام و مسلمین وضع می‌کند، رعایت نمایند. شاهد این مدعا آیه‌ای از قرآن کریم است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء: ۴ / ۵۹): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». این آیه وجوب اطاعت از خدا و پیامبر و اولوالامر را اثبات می‌کند. صاحبان امر در زمان حضور، ائمه معصومین (ع) هستند و در زمان غیبت، براساس روایات، فقیهان جامع‌الشرایط به نیابت از امام معصوم در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرند (میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

بنابراین، اگر حکومت براساس مصالح اسلام و مسلمین، انجام دادن یا ندادن فعالیت‌هایی را در زمینه تولید، توزیع و مصرف از مردم مطالبه کرد، مردم موظف به اطاعت هستند. به عنوان مثال، چنانچه اقتصاد و موقعیت سیاسی جامعه اقتضا کند و برای جلوگیری از تسلط دشمنان اسلام بر مسلمین لازم باشد، مردم باید از خرید و مصرف کالاهای ساخت کشورهای خارجی که موجودیت و استقلال جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد و یا موجب تضعیف آن می‌شود، خودداری ورزند و از موجودیت سیاسی، اقتصادی خود دفاع کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۹).

امام خمینی (ره) در این مورد، می‌فرماید: «اگر در روابط بازرگانی دولت‌ها یا تجار (مسلمان) با برخی از دولت‌ها یا تجار بیگانه، بر بازار مسلمانان و زندگی اقتصادی آنان خوفی باشد، ترک این روابط واجب و تجارت مزبور حرام است و بر بزرگان مذهب است که با وجود چنین ترسی، بر حسب اقتضای شرایط کالا و تجارت، آنان را تحریم کنند و بر امت اسلامی لازم است از آنان پیروی نمایند، همچنان‌که بر همه مسلمین واجب است تا در قطع این روابط بکوشند» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷). براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که

گاهی در شرایط حساس اقتصادی و سیاسی که ترس از حاکمیت کفر بر جامعه اسلامی وجود دارد، مردم باید در راستای حمایت از استقلال سیاسی مسلمین به پیروی از بزرگان مذهب خود، از مصرف کالاهای خارجی و یا هر آنچه که باعث منفعت رساندن به آنها می‌شود خودداری کنند؛ زیرا به خطر افتادن استقلال اقتصادی مسلمین، استقلال سیاسی آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و کفر را بر جامعه اسلامی مسلط خواهد کرد. این تبعیت و حمایت را در ماجرای تاریخی «تحریم تنباکو» می‌توان مشاهده کرد؛ آن زمان که مرحوم میرزای شیرازی، مرجع تقلید آن عصر، احساس کرد دولت انگلستان با در اختیار گرفتن امتیاز خرید و فروش توتون و تنباکو، قصد دارد اقتصاد ایران را به تسخیر خود درآورد، ایشان در راستای جلوگیری از این هدف، فرمان تحریم استعمال توتون و تنباکو را صادر کرد و مردم نیز به حمایت از ایشان پرداخته و شاه ایران را مجبور به لغو این امتیاز کردند و دست بیگانگان را از استیلا بر اقتصاد و در نهایت سیاست ایران کوتاه نمودند (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۴۷).

۱-۳-۲- ترجیح مصرف کالاهای تولید داخل بر کالاهای خارجی

افراد جامعه اسلامی می‌توانند با ترجیح مصرف کالاهای داخلی بر کالاهای خارجی، نقش مهمی را در رشد تولید و ایجاد زمینه‌های اشتغال در داخل کشور ایفا کنند. کشورهای که تولید انبوه و نرخ رشد بالایی دارند، همواره به دنبال بازارهای مصرف جدید برای فروش کالاهای تولید شده خود و ارائه خدمات برای کسب سود و درآمد بیشتر هستند. آنها می‌کوشند با استفاده از فن‌آوری پیشرفته، بر تنوع و جذابیت تولیداتشان بیفزایند تا همراه با تبلیغات گسترده و فریبده، مصرف‌کنندگان بیشتری را به طرف خود جذب کنند. از این رو، با شیوه‌های گوناگون به ایجاد نیازهای کاذب و تحریک افراد برای خرید و مصرف بیشتر می‌پردازند (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۳۱۷).

در این شرایط، سطح فرهنگ، آگاهی و بیداری مصرف‌کنندگان دیگر کشورهاست که منافع ملی کشورشان را رقم می‌زند. هرچه سطح آگاهی و فرهنگ توده مردم کشور مصرف‌کننده بالاتر باشد، کسب منفعت به سود کشور مقابل کمتر خواهد بود و برعکس. در نتیجه، ملتی با فرهنگ و آگاه که منافع ملی خود را به درستی تشخیص می‌دهد و درباره تأمین و حفظ آن، اهتمام و حساسیت لازم را داشته باشد می‌کوشد که جز در موارد ضروری - که مصرف کالای خاصی جنبه حیاتی و اضطراری دارد و در داخل هم تولید نمی‌شود - از مصرف کالاهای

خارجی خودداری کند و با مصرف کالاهای ساخت داخل، زمینه رونق اقتصاد و افزایش سطح اشتغال در کشور خود را فراهم سازد.

ورود کالاهای خارجی نوعی تسلط کفار و دشمنان اسلام بر بازار مسلمین است که قرآن کریم آن را رد کرده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: ۴ / ۱۴۱): «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». شایان ذکر است که اینجا فقط انتخاب مصرف‌کنندگان تعیین‌کننده نیست؛ بلکه اهتمام تولیدکنندگان به افزایش کیفیت کالاهای ساخت داخل و جلب اعتماد هم‌وطنان خود به تولیدات داخلی نیز زمینه‌ساز گرایش بیشتر مصرف‌کنندگان به خرید کالاهای ساخت داخل خواهد بود.

۱-۳-۳- پرداخت حقوق متعلق به مال

یکی از برجسته‌ترین و ارزشمندترین نکات در تفکر دینی، مسأله «حقوق اجتماعی در اموال شخصی» است. در اندیشه دینی، اگرچه انسان‌ها مالک اموال شخصی خود هستند، اما به دلایلی، اجتماع نیز در اموال آنها دارای حقوقی است که باید فرد، آنها را ادا کند. براساس آیات قرآن، آنچه در زمین وجود دارد، به همه انسان‌ها تعلق دارد؛ اما وقتی توسط شخصی کاری روی آن صورت بگیرد - مثلاً، زمینی آباد و یا معدنی استخراج شود - این کار سبب اولویت و حق ویژه آن شخص بر آن چیز در مقایسه با دیگران خواهد شد.

امام باقر (ع) در این زمینه، می‌فرماید: «أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَوْا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا فَهَمُّ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۴۱۲): «هر مردمی که زمینی را احیا کنند یا آباد سازند، به آن سزاوارترند، و آن زمین به ایشان تعلق خواهد داشت». بنابراین، دیگران حق ندارند که بدون اجازه وی در اموال او تصرف کنند، اما باید توجه داشت که این برتری نفی‌کننده حقوق اجتماعی در اموال شخصی وی نیست (یوسفی، ۱۳۷۵، ص ۳۵).

به دلیل وجود حقوق اجتماعی در اموال شخصی است که خداوند بینوایان را در اموال ثروتمندان شریک قرار داده است: «وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (الذاریات: ۱۹ / ۵۱): «و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود». امام صادق (ع) نیز در زمینه حق فقرا در اموال ثروتمندان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (البقره: ۲ / ۲۹)، «وَ الْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن: ۱۰ / ۵۵).

فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَىٰ غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۵/ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷۴): «خداوند متعال فقیران را در اموال توانگران شریک کرده است؛ پس آنان حق ندارند آن اموال را جز در مورد شریکان خویش به مصرف برسانند». آن حضرت در مورد میزان این حق نیز چنین اظهار نظر کرده است: «إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَزٌّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ» (کلینی، همان، ص ۴۹۷): «خداوند عزّ و جلّ در اموال ثروتمندان حق فقرا را به میزان رفع نیازمندی آنان قرار داده است و اگر چنین نبود، بیشتر قرار می‌داد».

چنین اندیشه‌ای، از ابتدا ذهن ثروتمندان را آماده می‌سازد تا بدانند که محرومان در اموال آنها شریکند و آنان موظفند حقوق واجبی را که به مالشان تعلق می‌گیرد بپردازند؛ اعم از آن که حقوق الهی باشد - همچون خمس و زکات - و یا حقّی باشد که به وسیله حکم دولت اسلامی به مال آنها تعلق گرفته است - مانند مالیات - و یا حقّی باشد غیر از زکات و مالیات که انسان از روی اختیار بر خود لازم می‌شمارد و در راه خدا انفاق می‌کند. پرداخت این حقوق توسط ثروتمندان جامعه، قدرت خرید نیازمندان را در تأمین نیازهایشان بالا می‌برد و این امر، رشد تولید را در پی خواهد داشت. بنابراین، هرچند این بحث به بحث توزیع مربوط می‌شود، اما توزیع مناسب درآمدها، خود راهی در جهت بالابردن میزان تولید در جامعه و افزایش اشتغال محسوب می‌شود.

۱-۳-۴- مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه

از دیگر کارهایی که مردم در حمایت از کار و تولیدات مسلمین می‌توانند انجام دهند مشارکت در فعالیت‌هایی است که منفعت آن شامل عموم مردم می‌شود. ساختن اماکن عمومی مانند مسجد، مدرسه، پل، جاده و احداث منابع درآمدزا مانند باغها، قنوات، مراکز تجاری و تولیدی و وقف درآمد آنها برای نیازمندان و سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی مانند تبلیغ اسلام و ارتقای سطح آموزش عمومی از مصادیق این نوع مشارکت به شمار می‌آیند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲).

ائمّه معصومین (ع) همواره، به اینگونه فعالیت‌ها اقدام می‌کردند. بارزترین نمونه این عمل را در کارنامه پر افتخار علی (ع) می‌توان مشاهده کرد. در حدیثی از امام صادق (ع) گوشه‌ای از فعالیت‌های آن حضرت در این زمینه چنین بیان شده است: «إِنَّهُ (ع) أَعْتَقَ أَلْفَ سَمَةٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ... مِائَةَ أَلْفِ نَحْلٍ... فَعَرَسَهُ فَلَمْ يُعَادِرْ مِنْهُ نَوَاةً وَاحِدَةً فَهُوَ مِنْ أَوْقَافِهِ وَ وَقَفَ مَالًا بِخَيْرٍ وَ بَوَادِي

الْقُرَى وَ وَقَفَ مَالَ أَبِي نَيْزَرَ وَ الْبُعَيْعَةَ وَ أَرْبَاجاً وَ أُرَيْبَةَ وَ رَعْداً وَ رُزَيْنًا وَ رَبَاحاً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ... وَ أَخْرَجَ مِائَةَ عَيْنٍ بَيْنُوعَ وَ جَعَلَهَا لِلْحَجِيجِ وَ هُوَ بَاقٍ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا وَ حَفَرَ آبَاراً فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ الْكُوفَةَ وَ بَنَى مَسْجِدَ الْفَتْحِ فِي الْمَدِينَةِ وَ عِنْدَ مُقَابِلِ قَبْرِ حَمْرَةَ وَ فِي الْمَيْقَاتِ وَ فِي الْكُوفَةِ وَ جَامِعِ الْبَصْرَةِ وَ فِي عِبَادَانَ وَ غَيْرِ ذَلِكَ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، صص ۳۲-۳۳): «آزاد کردن هزار برده با دست رنج خود، کشت و وقف صد هزار درخت خرما، وقف املاکی در خیبر، وادی القری و مزرعه‌های ابی‌نیزر، بغیغعه، ارباح، ارینه، رعد، رزین و رباح برای مؤمنان، احداث صد حلقه چاه در منطقه بینوع و وقف آنها برای حجاج بیت الله الحرام، حفر چندین حلقه چاه در راه مکه و کوفه، ساخت مسجد فتح در مدینه و مساجدی در کنار قبر حضرت حمزه و کوفه و مسجد جامع بصره و عبّادان و... از جمله اقدامات امام علی (ع) بود». این فعالیت‌ها بنوعی، زمینه اشتغال را برای افراد جامعه فراهم و به بهبود وضع اقتصادی مردم کمک می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، رشد تولید را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

۱-۳-۵- صبر در مقابل مشکلات و کاستی‌های توجیه‌پذیر اقتصادی

دستیابی به انواع امکانات، سعادت‌مندی و رسیدن به کمال مطلوب در فرهنگ دین، تحمل سختی‌ها و مشکلاتی را می‌طلبد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (الشرح: ۶/۹۴): «آری؛ با دشواری، آسانی است». در روایتی از امام علی (ع) نیز در این زمینه آمده است: «مَا أَقْرَبَ الرَّاحَةَ مِنَ التَّعَبِ» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۹۹ / صدوق، ۱۳۹۸، ص ۷۴): «چقدر آسایش به رنج و سختی نزدیک است!» پس، برای پیروزی بر مشکلات، صبر لازم است - صبری که نمود استقامت و پایداری باشد و کاستی‌ها هدفمندانه تحمل شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِطْرَحْ عَنْكَ وَارِدَاتِ الْهُمُومِ بَعَزَائِمِ الصَّبْرِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۴): «بایسته است که انسان با صبر، بر مشکلات و گرفتاری‌ها غلبه یابد».

صبر در مقابل نارسایی‌ها و کاستی‌های توجیه‌پذیر تولیدات داخلی و مصرف آنها از هدر رفتن سرمایه‌ها و منابع با ارزش ملی جلوگیری می‌کند و راهی برای دستیابی به رونق اقتصادی، جبران فقر و عقب‌ماندگی و رهایی از وابستگی به شمار می‌رود. براساس روایتی از امام علی (ع) که می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّ صَبْرٍ عَلَى الْإِفْلَاسِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶،

ص ۴۲۷): فرد و جامعه‌ای که نتواند از حاصل تلاش و فعالیت خود، تأمین شود سرانجام، مجبور به پذیرفتن فقر و فلاکت اقتصادی خواهد شد.

صبر بدان معناست که انسان از ناملایماتی که گاه، ناگزیر، جامعه را فرا می‌گیرد، فریاد نارضایتی سر ندهد و شکایت به این و آن نبرد. این معنایی است که جبرئیل در پاسخ به پیامبر اکرم (ص) در زمینه تفسیر صبر، عرضه داشت: «تَصْبِرُ فِي الضَّرَّاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي السَّرَّاءِ وَ فِي الْفَاقَةِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْغِنَى وَ فِي الْبَلَاءِ كَمَا تَصْبِرُ فِي الْعَاقِبَةِ فَلَا يَشْكُو حَالَهُ عِنْدَ الْخَلْقِ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الْبَلَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۰): «صبر آن است که انسان به میزان استواری و احساس عزت در حالت رفاه و آسایش، هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها هم خدشه‌ناپذیر و مقاوم باشد... و از ناملایماتی که وی را گرفته است، پیش این و آن شکوه نکند». صبر اقتصادی یعنی انسان در برابر کالاهای لوکس و تجملی و محصولات تولیدی جذاب دشمنان اسلام، خود را نبازد و شیفته نشود. این نوع صبر در روایتی از امام علی (ع)، والاترین صبرها شمرده شده است: «أَفْضَلُ الصَّبْرِ الصَّبْرُ عَنِ الْمَحْبُوبِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۵): «بالترین صبرها، صبری است که انسان در برابر آنچه جذاب و مورد علاقه است به کار می‌برد».

براساس سخن امام صادق (ع)، انسان فرهیخته آن است که هنگام روی آوردن مشکلات، آن را غنیمت تلقی کند و به عنوان شعار سازندگی و اصلاح از آن بهره جوید: «يَا مُوسَى إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۳): «ای موسی! هرگاه دیدی فقر به تو روی آورد، بگو: نشانه صالحان خوش آمد!» چنین بینشی در فرهنگ دین بسی ارزشمند است؛ زیرا استعدادها را شکوفا می‌سازد، زمینه مناسب را برای ابتکارات و اختراعات، فراهم می‌کند و جامعه را به سوی استفاده بهتر از امکانات و منابع سوق می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از مقاله حاضر نتایج ذیل به دست آمد:

۱. اسلام خواهان رشد و برتری مسلمین در تمامی زمینه‌ها، و از جمله، زمینه‌های اقتصادی است و دولت، تولیدکننده‌ها و مردم را در جهت رسیدن به این هدف به یاری می‌طلبد.
۲. از دیدگاه قرآن شرط رسیدن به رشد و خودکفایی در زمینه تولیدات داخلی این است که همه طبقات جامعه؛ اعم از دولت، تولیدکننده و مردم دست به دست هم داده و با انجام وظایف خود همراه با رعایت موازین اخلاقی و دینی، راه رسیدن به هدف مورد نظر را هموار کنند.

۳. وظایف دولت را می‌توان در دو حوزه حمایت از سرمایه و کار و تولید مسلمین، خلاصه کرد. در حوزه حمایت از سرمایه، دولت باید به انجام وظایفی چون: فرهنگ‌سازی براساس ارزش‌های دینی و حمایت از سرمایه‌گذار، اطلاع‌رسانی، استفاده بهینه از منابع و سرمایه‌های طبیعی کشور و برقراری امنیت اقتصادی پرداخته و در حوزه حمایت از کار و تولید به اقداماتی چون بهبود وضع معنوی و اخلاقی عموم مردم، تربیت افراد متخصص و متعهد و اصلاح مدیریت در بخش‌های مختلف دولتی، برنامه‌ریزی برای اشتغال، بهبود وضع اقتصادی عموم مردم، واگذاری کارهای تولیدی به بخش خصوصی (مردم)، نظارت بر تولید، نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها، کنترل و هدایت واردات کالا و رعایت عدالت مالیاتی همّت گمارد.

۴. تولیدکننده‌ها نیز باید با پرهیز از غش در تولید و معاملات و گران‌فروشی به تولید و توزیع بپردازند و مردم با رعایت قوانین شرعی و حکومتی اسلام، ترجیح مصرف کالاهای داخلی بر کالاهای خارجی، پرداخت حقوقی که به مالشان تعلق می‌گیرد، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه و صبر در مقابل مشکلات و کاستی‌های توجیه‌پذیر اقتصادی نقش خود را در حمایت از کار و تولیدات مسلمین ایفا نمایند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، محمد بن علی، *المناقب*، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول*؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد؛ *عدة الداعی و نجاح الساعی*؛ بی‌جا: انتشارات دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴. اسحاقی، حسین؛ *مبانی و رهندهای جهاد اقتصادی*؛ قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰ ش.
۵. امام خمینی، روح الله موسوی؛ *تحریر الوسيلة*؛ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی‌تا.
۶. امام علی بن الحسین (ع)؛ *صحيفة سجادية*؛ قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۷. بستانی، فؤاد افرام؛ *فرهنگ ابجدی*؛ تهران: ج ۲، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۸. بناء رضوی، مهدی؛ *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۶۷ ش.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ *غرر الحکم و درر الکلم*؛ قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. تیمی مغربی، ابو حنیفه قاضی نعمان بن محمد؛ *دعائم الاسلام*؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۸۵ ق.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. —؛ *هدایة الامة إلى أحكام الائمة (ع)*؛ مشهد: آستانة الرضویة، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. حسینی، رضا؛ *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان*؛ ج ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. حکیمی محمدرضا و محمد و علی؛ *الحیة*؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. هیری، عبد الله بن جعفر؛ *قرب الاسناد*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. خلیلیان، محمد جمال؛ *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*؛ قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. خوش‌نویس، جعفر؛ *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*؛ ترجمه: مهدی انصاری، اصفهان: انتشارات کتابخانه امام علی (ع)، ۱۳۵۹ ش.
۱۸. ذاکری شاندیز، مجتبی؛ *علل ناتوانی ما در اقتصاد و صنعت*؛ تهران: انتشارات غدیر، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ دمشق و بیروت: دارالعلم-الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. سبحانی، جعفر؛ *مبانی حکومت اسلامی*؛ ترجمه: داوود الهامی، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سید الشهدا (ع)، ۱۳۷۰ ق.
۲۱. صدر، کاظم؛ *اقتصاد صدر اسلام*؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ *أمالی الصدوق*؛ ج ۵، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۲۳. —؛ *التوحید*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۲۴. —؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

۲۵. —؛ *الحصائل*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن؛ *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق.
۲۷. —؛ *الامالی*؛ قم: انتشارات دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. —؛ *تهذیب الاحکام*؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. عیوضلو، حسین؛ *قرآن و اقتصاد*؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۳۰. فراهانی فرد، سعید؛ *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*؛ تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. قرشی بناپی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. کراجکی، محمد؛ *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*؛ ج ۲، تهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۹۴ ق.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ ج ۴، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. لیبی واسطی، علی بن محمد؛ *عیون الحکم و المواعظ*؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد؛ *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*؛ ترجمه: سید ابوالقاسم حسینی، قم: مرکز تحقیقات دار الحدیث، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ ج ۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. مهرآیین، محمدحسین؛ *پیشرفت اقتصادی و عوامل آن*؛ قم: انتشارات ساپا، بی تا.
۴۰. میرمعزی، حسین؛ *نظام اقتصادی اسلام*؛ تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴۱. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۴۲. یوسفی، محمدرضا؛ *کلیات اقتصاد اسلامی*؛ قم: نشر خرم، ۱۳۷۵ ش.